

علل ورود زنان جوان به دانشگاهها

رزا جوان

یکی از پدیده های اخیر در حوضه آموزش عالی، که مدتی است توجه حکومت آخوندی را به خود جلب کرده است، افزایش تعداد دختران دانشجو نسبت به پسران است که روند رو به رشد آن در هر سال بر این فاصله می افزاید.

دولت جمهوری اسلامی با زدن برچسب «معضل اجتماعی»، سعی دارد به نحوی این روند را متوقف کند. پادزهرهایی که خود بر بحران حاضر می افزایند. برای مثال ایجاد محدودیت برای دختران در ورود به دانشگاه که با واکنش شدید جنبش زنان کشور، متوقف ماند.

بقیه در ص ۲

نکاتی در مورد قیم مابی سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری

جلال مزینانی

«سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری»، با انتشار صد و ششمین شماره ی نشریه «جوان کمونیست» وارد سومین سال فعالیت خود شد. این سازمان بدون هیچ ارتباط ارگانیکی با مبارزات جوانان داخل ایران، بصورت یک زانده ی قیم ماب، توسط دستاوردکاران حزب کمونیست کارگری در خارج کشور بوجود آمد.

آیا جوانان کمونیستی که هیچگاه، خودشان در تشکیل سازمانشان نقشی نداشته اند، می توانند به این سازمان اعتماد کرده و به آن بپیوندند؟ و اساسا چطور می توان به این مساله باور داشت که این سازمان می تواند خواسته های برحق جوانان را طرح و تحقق بخشد؟

چطور می توان با تحمیل رهبرانی که اولاً خود کادرهای حرفه ایی تشکیلات مادر هستند و به صورت انتخابی بوسیله جوانان کمونیست داخل کشور انتخاب نشده اند، مدعی رهبری سازمان جوانان کمونیست، شد؟ بهانه تراشی های نظیر وجود اختناق و استبداد به هیچ وجه توجیه کننده ی این مساله نخواهد بود که بر فراز سر جوانان کمونیست و بدون ارتباط گرفتن با آنها، سازمان و رهبری عاریه را برای آنها تعیین نمود. بدون شک پروسه ساخت تشکلات کمونیستی جوانان در چنین موقعیتی بسیار مهم و دشوار است ولی با تلاش صبورانه ی جوانان مستعد و کارا، هر ناممکنی، ممکن می شود.

بقیه در ص ۲



جوان سوسیالیست

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>

javan1378@hotmail.com

شماره ۵ ۱ مهر ۱۳۸۲

آغاز سال تحصیلی جدید و وظایف سوسیالیست انقلابی

بهرروز حقیقت فر

سال تحصیلی ۱۳۸۲ در راه است. سالی که اگر دست روی دست بگذاریم خیلی سخت تر و سیاه تر از سالهای گذشته خواهد بود. در سال گذشته، اکثریت ما دانش آموزان دیدیم که رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر عدم افزایش بودجه مراکز آموزشی، این مدارس را در بدترین شرایط ممکن خود رها ساخت و ما مجدداً به مدارس که در دو یا سه شیفت کار می کردند، تن دادیم.

جمهوری اسلامی عملاً با تقویت مدارس غیر انتفاعی که شهریه های آنها سر به فلک می زد، سعی دارد تا بسیاری از کنبودهای موجود در سیستم آموزشی اش را به بخش خصوصی نسبت دهد. در حالیکه عامل اصلی تقویت مدارس غیر انتفاعی خود رژیم اسلامی است. این مدارس عملاً فاصله طبقاتی را در سطح بسیار وسیعی به میحطهای آموزشی بسط داده است. دانش آموزانی که در مدارس دولتی درس می خوانند به مراتب از لحاظ امکانات در سطح نازل تری قرار گرفته و شانس آنها برای ورود به دانشگاه کمتر و کمتر می شود.

بقیه در ص ۲

جوانان سوسیالیست انقلابی!

کارگران و دانشجویان!

- اگر با اهداف ما توافق دارید با ما همکاری کنید!
- نشریه «جوان سوسیالیست» را میان جوانان توزیع کنید!

آغاز سال تحصیلی جدید

از ص ۱

در دانشگاهها، وضع بهتر از مدارس نیست؛ دانشجویانی که در دانشگاههای سراسری قبول می شوند، باید به فکر معضل «جا» باشند. محدودیت های خوابگاههای دانشجویی سبب شده که تعداد بسیار قلیلی از دانشجویان موفق شوند در این خوابگاهها جای بگیرند. بسیاری از دانشجویان که موفق به گرفتن جا نیستند مجبورند که به اتفاق چندین نفر از دوستان همکلاسی خود اتاق یا آپارتمانی را اجاره کنند، که این امر هم فقط از عهده ی بخش کمی از دانشجویان بر می آید.

بسیاری از دانشجویان شهرستانی که در شهرهای بزرگ درس می خوانند، مجبورند برای ادامه تحصیل دست به انجام کارهای طاقت فرسا بزنند تا بتوانند هزینه تحصیل خود را تامین کنند. در کنار این صحنه ناراحت کننده، صحنه های تهوع آور ریخت و پاچ های دانشجویان طبقات بالادست را داریم که بر سر سوار شدن بر ماشینهای آخرین مدل و لباسهای گرانیقیمت با هم مسابقه می گذارند.

مشکلات دانشجویان فقط محدود به دوره تحصیل آنان نمی شود بلکه بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه مشکل کاریابی معضل اکثریت قریب به اتفاق فارغ التحصیلان خواهد بود. بر اساس آمار به دست آمده از مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری فارغ التحصیلان روزبه روز افزایش مییابد که از ۴/۴ درصد در سال ۷۶ به ۱۱/۷ درصد در سال ۸۱ افزایش یافته و پیشبینی میشود که در پایان برنامه ی سوم توسعه (۱۳۸۳) نرخ بیکاری فارغ التحصیلان به ۱۵/۹ درصد افزایش یابد. عدم کاریابی و بیکاری در پی خود فقر، جنایت، دزدی و فرار سالیانه ی دویست و بیست هزار نفر جوان تحصیل کرده به خارج کشور را به همراه خواهد داشت. رژیم سرمایه داری آخوندی نه تنها از این مساله نگران نیست بلکه با عدم تنظیم یک برنامه مدون سعی دارد که هر چه بیشتر از دخالت ما جوانان در عرصه های تصمیم گیری بکاهد.

به جز مسائل مربوط به مشکلات و محدودیتهای آموزشی و تحصیلی که خیلی شتابزده از آنها گذشتیم، مساله حق تشکلات دانشجویی مستقل، حق تجمع، اعتراض و اعتصاب، حق احترام به آزادیهای فردی و مصنوعیت دانشجویان، مسائل مهم دیگریست که امسال مجددا در دستور کار دانشجویان سوسیالیست انقلابی قرار خواهد گرفت.

دانشجویان سوسیالیست انقلابی، نیک می دانند که فریادهای دانشجویان زمانی قادر است که به نتیجه های بنیادی برسد که بتواند در امتدادش، سازماندهی توده ایی دانشجویان را فراهم سازد. لذا ما به عنوان سوسیالیست های انقلابی علاوه بر تداوم ایجاد هسته های کارگری-سوسیالیستی، باید سعی کنیم که در سال تحصیلی جدید، برای متشکل کردن هر چه بیشتر توده های دانش آموزان و دانشجویان گام برداریم.

چیزی که امروز بیشتر از هر زمانی قادر است که جنبش دانشجویی را رادیکال تر کند، طرح شعارهای انتقالی است که بین شعارهای حداقل موجود در جنبش و شعارهای حداکثر پلای ایجاد می کند. مثلا در چنین شرایطی که رژیم، خصوصی سازی خوابگاهها دانشجویی را در دستور کار خود قرار داده است، وظیفه ما دانشجویان مبارزه با خصوصی سازی به شکل عام کلمه است. این مساله بدون شک سبب پیوند مبارزات دانشجویان با سایر اقشار اجتماعی (به خصوص طبقه کارگر) خواهد بود که آنها نیز با معضل خصوصی و لگدمال شدن حقوق اولیه اشان روبرو هستند. لذا طرح شعارهای مناسب می تواند رشته های واقعی اتحاد را برای گام های بلند تر فراهم سازد.

ارمغان سال تحصیلی ۱۳۸۲، ایجاد پلاتفرم مستقل و سوسیالیستی «اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران» و نشریه آن «جوان سوسیالیست» است. تشکیلاتی که بطور خودجوش و مستقل از هر تشکل دولتی، نیمه دولتی، دست ساز خارج کشورنشین، متولد شده و روز به روز به چشم اندازهای پر امیدتر و رادیکال تر جنگ می زند.

دانشجویان و دانش آموزان

سوسیالیست، آزادیخواه و مترقی!

با پیوستن به صفوف ما، خود را قوی کنید و بگذارید تا در یک مبارزه مشترک، با پیشروان کارگری پیوند خورده و مقدمات پی ریزی حزب پیشتاز انقلابی را با هم فراهم سازیم.

۲۶ شهریور ۱۳۸۲

علل ورود زنان جوان به دانشگاهها

از ص ۱

اما باید ریشه یابی شود که اولاً چرا تمایل به ادامه تحصیل در در پسران کم شده است؟

و ثانیاً علاقه ای که دختران ایرانی برای ورود به مراکز عالی از خود نشان می دهند به چه بر می گردد؟

در جوامعی مانند ایران با یک نظام سرمایه داری عقب مانده و ناقص، بر خلاف کشورهای پیشرفته صنعتی دنیا، زیر ساخت های اقتصادی وجود ندارند. بنابراین، این منجر میشود به یک سیستم آموزشی بدون پایه- که نه بر اساس رفع نیازهای صنعتی کشور قرار دارد و نه ارتقای آن را برنامه ریزی میکند.

در این نظام آموزشی، کسب تخصص های علمی لازم برای فعالیت کاری افراد مورد توجه نیست. از طرف دیگر وضعیت نابسامان اقتصادی، ذهن افراد چنین جامعه ای را به طور مداوم درگیر یافتن راهی برای تامین معیشت زندگی می کند. به همین علت، این نفس علاقه انسان به آموزش نمی باشد که محرک او به سمت فراگیری دانش می شود- بلکه تلاش برای رفع نیاز های اقتصادی- در چنین اقتصادی نا بسامان که همان اشغال شغل های دولتی است، ادامه تحصیل را در نظر وی و جامعه اش، وسیله ای میکند برای بدست آوردن مطمئن ترین و بهترین طریقه گذران زندگی.

اما این دولت نمی تواند متناسب با رشد روز افزون جمعیت، خود برای تازه واردان امکان کار را فراهم کند، پس با اشباع ظرفیت شغلی کشور، کابوس بی کاری همه را فرا میگیرد، چه تحصیل کرده و چه فاقد تحصیلات عالیه، پس در این زمان آنچه دیروز ارزش بود، تا حد ضد ارزش سقوط میکند و در کشور هایی با فرهنگ و قوانین اجتماعی ایران که مرد به عنوان تامین کننده نیاز اقتصادی خانواده به رسمیت شناخته شده است، این پسران هستند که تمایل خود را برای ادامه تحصیل از دست می دهند.

در صورتی که آنها جزء طبقه سرمایه دار و خرده سرمایه دار کشور باشند به پشتیبانی داری پدر وارد بازار شده نیاز اقتصادی خود را تامین می کنند، اما در غیر این صورت بخشی از آنها به خیل عظیم بیکاران می پیوندند. در این زمان است که فریاد اخلاقیون این نظام پوسیده بلند می شود که چرا، آمار جرم و جنایت بطور تصاعدی بالا میرود.

و نکته دوم، این سوال است که علت اصلی افزایش تمایل دختران برای ورود به دانشگاه آیا برمیگردد به علاقه آنها برای کسب دانش؟ در این صورت چگونه است که فارغ التحصیلان مراکز عالی ایران از نظر سطح علمی تا این اندازه پایین است؟

می توانیم دخترانی را که تب ورود به دانشگاه آنها را فرا گرفته، به دو دسته تقسیم کنیم. آنهایی که برای فرار از فرهنگ بسته و سنتی شهرستان خود، تنها کمال ممکن را ادامه تحصیل در دانشگاه های شهر های بزرگ می بینند. و دسته دیگر آنهایی هستند که نمی خواهند مسیری را در زندگی انتخاب کنند که همجنسانشان رفته اند. این دختران به توانایی های خود پی برده و تلاش میکنند همپای مردان و گاهی جلوتر از آنها، برای بدست آوردن- موفقیت های اجتماعی خویش حرکت کنند.

امروزه دختران ما تمایل زیادی برای بدست آوردن استقلال مالی از خود نشان می دهند. آنها متوجه شده اند با قوانین کور و غیر عادلانه نظام قضایی ایران در حقوق خانواده، با استقلال مالی در موقعیت بهتری قرار می گیرند، چرا که اکثر زنان خانه دار در ایران، به علت آنکه فاقد منبعی هستند که آنها را از نظر اقتصادی پشتیبانی کند، مجبور می

شوند با هر شرایط غیر انسانی به زندگی زناشویی خود ادامه دهند.

و حال همه این تلاشها منجر می شود به مدعیان دیگری که از زیر یوغ فرهنگ نخ نما شده سنتی ایران که جمهوری اسلامی بر شدت آن دامن زده است، خود را بیرون کشیده، این نظام سرمایه داری پوسیده را به چالش می کشند.

اگر تا دیروز نیمی از جمعیت این کشور از ناراضیان نظام بودند، حال نیمه دیگری که مدتها بود با پوسیدن در پشت دیوارهای خانه، خیال سرمایه داری از جانبشان آسوده بود، با پاره کردن بندها این خواب خوش را آشفته می کنند. با این رشد فرهنگی، جنبشی زنان ما را فرا گرفته است که در صدد خارج شدن از زیر بار استعماری است که دوجندان نسبت به مردان، قرن هاست تحمل کرده اند.

این جاست که آقایان دولت مردان را ترس فرا گرفته، به فکر پیدا کردن راه حل می اندازد. آخوندهای جمهوری اسلامی به جای فراهم نمودن شرایط مناسب برای فعالیت زنان در محیط های کاری و رفع تبعیض از آنها، اقداماتی آشکار و پنهان برای ایجاد سد در برابر این جنبش را آغاز کرده اند. برای نمونه رسانه های نظام با تحریک بخش سنتی، خانواده ها را در مقابل خواسته های زنان بدبین می کنند و یا با اجرای قوانین کاری و استخدامی تبعیض آمیز آنها را با محدودیت های تازه ای مواجه می کنند. در حالی که در کشورهای صنعتی پیشرفته، برای خارج شدن از این گونه بحرانها، ناچارند در چهار چوب دمکراسی نظام سرمایه داری، دموکراتیزه عمل کنند و گام هایی به عقب بنشینند. رژیم جمهوری اسلامی به علت همان اقتصاد ناقص الخلقه قادر به چنین عقب نشینی نیست و به همین دلیل بر شدت این محدودیت ها می افزاید.

اگر جنبشی که امروز زنان ما را فرا گرفته، موشکافانه، وضعیت جامعه سرمایه داری را بررسی کند متوجه خواهد شد که در کشورهای سرمایه داری پیشرفته دنیا هم، زنان به شیوه ای دیگر تحت ستم جنسی قرار دارند. پس تلاش در جهت رسیدن به موقعیت آنها به هیچ وجه مشکل را از ریشه از بین نمی برد. چرا که در نهایت، بعد از مبارزات فراوان در جایی خواهیم ایستاد که هم جنسانمان در جوامع صنعتی به دنبال خارج شدن از آن هستند.

ریشه کنی بحران را به این زمان و این مکان محدود کردن، تنها چشم پوشی احمقانه ای است از علت تاریخی آن. وضعیت موجود یکی از بیشمار نتایج نظام سرمایه داری است. آن هم نه در سطح یک کشور، بلکه کل جهان که تضادهای موجود در آن در هر زمان و مکانی به شیوهایی خود را به ما نشان می دهند.

امروزه دیگر نمی توان جوامع بشری را ایزوله شده از کل جهان مورد بررسی اقتصاد شناسی و جامعه شناسی قرار داد. چرا که با پیشرفت نیروهای مولد و امکانات، وارد عصری شده ایم که تبادل سرمایه و هم چنین اطلاعات، دیگر اجازه نمی دهد که هر کس در مزرعه خود کشت و برداشت کند.

در دنیای پیوسته، امروز اقتصاد سرمایه داری همچون سیبی است که اگر چه جزئی از آن به ظاهر خوش رنگ و بو است، اما نیمه بیشترش دچار کرم زدگی شده است. این وضعیت نتیجه عمل نادرست اقتصاد سرمایه داری نیست، بلکه از ذات آن نشات می گیرد. به این ترتیب چه ساده نگرند آنهایی از طبقه ما که تصور می کنند می توان این نظام پوسیده را با رفرم به نحوی تغییر شکل دهند که بشریت از زیر استثمار آن خود را خارج کند. استفاده از وسیله ای (رفرم) که بقایش در حفظ اختلاف طبقاتی بین افراد و در سطح وسیع جوامع بشری است، به منظور یک مبارزه رفرمیستی، برای رسیدن به عدالت اقتصادی، هرگز چیزی برای ما به ارمغان نمی آورد جز بیشتر فرورفتن در بردگی.

ستم جنسی بر زنان، چه در جوامع عقب مانده و چه پیشرفته، امروز، چه در زمان نوپا و چه در زمان ناپا، سرمایه داری و چه در قرن ۲۱ که سرمایه داری به زعم خود سر مست جوانی، نمی تواند رعشه های سال خوردگی را، از چشم بشریت پنهان کند؛ وجود داشته است و بر جا می ماند مگر اینکه خود ما در مسیر صحیح مبارزه با آن، یعنی مبارزه انقلابی برای سوسیالیسم حرکت کنیم. رسالت جنبش زنان ما، امروز سازماندهی و همبستگی با جنبش طبقه کارگر ما است، چرا که خارج شدن از وضعیت موجود منوط است به رهایی طبقه کارگر از یوغ اقتصاد سرمایه داری.

شهریور ۱۳۸۲

نکاتی در مورد قیام مابی سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری

از ص ۱

سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری، از آنجا که اعتقادی به شکل گیری خودجوش تشکلات کمونیستی جوانان ندارد، با دور زدن این مفهوم بدون پرورش کادرهای ورزیده، تنها و تنها به دنبال «رشد بادیکنکی» خود می باشد. این گونه نگاه به ساختارهای تشکلاتی در شرایط اختلاف آور ایران، سبب نابودی و امتیزه شدن کمونیستهای جوان شده و بحران موجود در سازماندهی و سازمانیابی جوانان را تشدید می کند.

با وصف چنین انحرافی، ساختار و عملکرد تشکلات واقعی و کمونیستی جوانان چگونه باید باشد؟ تشکلات کمونیستی جوانان اگرچه از تعدادی محدودی جوان کمونیست تشکیل یافته اند اما نمی تواند بسان یک فرقه سیاسی، فعالیت‌های خود را محدود به قشر خاصی از جوانان نماید. تشکلات واقعی جوانان کمونیست باید در راستای کار توده ایی در بین جوانان گام بردارند اما برای انجام کار توده ایی یک تشکل کمونیستی باید دارای کادرهای جوان مجرب، منضبط و آب دیده باشد. وظیفه این کادرهای جوان این است که بتوانند تضاد موجود، بین کار توده ایی در بین جوانان از طرفی و پیشبرد این عمل انقلابی در محیط خفقان آور و استبدادی کنونی را از طرف دیگر، سامان بخشند.

نشریه جوان کمونیست ارگان سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری، در طی سه سال گذشته اکثریت صفحات اصلی خود را به بازتاب نقطه نظرات سران حزب کمونیست کارگری اختصاص داده است؛ اعضای که نه جوان هستند، نه در مبارزات و سازماندهی جوانان شرکت دارند و نه می توانند برداشت واقعی نسبت به مساله ما جوانان ارائه دهند. رهبران حزب کمونیست کارگری می خواهند بمانند مربی یا معلم و از طریق

سازمان جوانان خود، اندیشه هایشان را به ما تحمیل کنند. این رهبران فراموش می کنند که اوضاع به دست ما جوانان کارگر و دانشجوی کمونیست تغییر می یابد و این خود مربیان و معلمان هستند که نیاز مبرمی به آموزش و تربیت دارند.

بر خلاف نقطه نظرات گردانندگان نشریه جوانان حزب کمونیست کارگری که سعی دارند که فضای نشریه اشان را با مطالب «هیجان آور»، «سورپرایز» و «غافلگیر کننده» پر بکنند و در همین راستا چندین عکس سه در چهار خود را نیز چاشنی کار می نمایند، باید تاکید نمود که یک نشریه واقعی جوانان کمونیست تفاوت‌های فاحشی با یک جنگ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی دارد. نکات و وظایف عمده ایی که یک نشریه کمونیستی جوانان باید در دستور کار خود قرار دهد عبارتند از:

۱) نشریه واقعی جوانان کمونیست، باید بمانند یک داربست که برای انجام کاری بروی یک ساختمان بسته می شود عمل کند. مثلاً زمانی که شما می خواهید رویای یک ساختمان را ترمیم کنید باید به روی آن داربستی سوار کنید. داربست به شما امکان می دهد تا به نقاطی که احتیاج به ترمیم دارد نزدیک شده و آنجا را ترمیم کنید. یکی از وظایف نشریه نیز در حقیقت، پیدا کردن نقاط ضعف و قوت تشکلات و ایجاد فضایی لازم و مناسب جهت مانورهای تشکلاتی است.

۲) نشریه ی کمونیستی جوانان، یک وسیله ایی برای سازماندهی است. برای پیشبرد امر سازماندهی، نشریه فوق الذکر باید مستقلاً بوسیله ی جوانان اداره و رهبری شود. برای تسهیل امر سازماندهی، این نشریه باید تمامی خواسته های مترقی کلیه طبقات و اقشار ستم دیده را بازتاب داده و این اقشار را به دوستان و فعالین مادی و معنوی خود تبدیل سازد.

۳) نشریه کمونیستی جوانان، باید محلی برای آموزش سیاسی و تئوریک جوانان گردد. آموزشهای سیاسی ایی که نه صرفاً از تجربیات شخصی ریش سفیدان و یا کتابهای تئوریک، بلکه از بستر مبارزات جوانان منتج شده باشد

۴) نشریه کمونیستی باید بین خواسته های حداقلی (دمکراتیک) که جوانان به شکل عام آنها را در جامعه مطرح می کنند و خواسته های حداکثر (سوسیالیستی)، پلی ایجاد کند. برای ایجاد چنین ارتباطی، نیاز مبرم به شعارهای انتقالی است که دستیابی به آنها، تنها و تنها در بوته ی مبارزه و تجربیات عینی امکان پذیر و عملی است.

سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری تنها یک زانده ی تشکلاتی برای به تور انداختن جوانان است. این سازمان علاوه بر اینکه در راستای پرورش کادرهای مجرب گام بر نمی برد بلکه با رهبر تراشی کاذب و علنی گرایی (آن هم در اروپا) موجبات توهم در بین جوانان را فراهم آورده و عملاً به مانعی در سر راه مبارزات آنها تبدیل شده است.

جوانان سوسیالیست، کمونیست و رادیکال باید با منزوی کردن چنین تشکلات غیر واقعی ایی، همدوش باهم در یک مبارزه مشترک و مستمر جهت اشاعه «سوسیالیزم انقلابی» در جامعه گام بردارند. بدون شک «اتحادیه جوانان سوسیالیستهای انقلابی» به عنوان یک تشکل واقعی، حاضر و تاثیر گذار در جنبش جوانان داخل کشور، می تواند پلاتفرم مناسبی برای رسیدن به این هدف عالی گردد.

۲۰ شهریور ۱۳۸۱

مقالاتی در همین رابطه:

<http://www.javaan.net/Nazari/nagad.htm>

جوانان سوسیالیست انقلابی! کارگران و دانشجویان!

- اگر با اهداف ما توافق دارید با ما همکاری کنید!
- نشریه «جوان سوسیالیست» را میان جوانان توزیع کنید!